

بررسی نقش اقتصاد دانش بنیان در تحقق اقتصاد مقاومتی

شهرام فتاحی^{۱۳۹}، عباس آزادی*^{۱۴۰}، علی حیات نیا^{۱۴۱}

چکیده

اقتصاد مقاومتی یک نظام اقتصادی است که هماهنگ با سیاست های توسعه ای و کلان سیاسی و امنیتی نظام اسلامی و برای مقاومت در مقابل کارشکنی دشمن و خباثت دشمن می باشد تا بتوان در برابر شوک های برونزای اقتصادی تحریم ها و توطئه های گوناگون اقتصادی امریکا و غرب مقاومت کرده و توسعه و پیشرفت خود را ادامه داد. یکی از بخش های کلیدی در جهت ایفای چنین نقشی "اقتصاد دانش بنیان" می باشد. اقتصاد دانش بنیان از طریق ارجحیت سرمایه انسانی و افزایش بهره وری مسیری دیگر را به موازات منابع طبیعی (و قویتر از آن) جهت رشد و توسعه اقتصادی را تجویز میکند، لذا در چنین شرایطی که اقتصاد کشور در تکاپوی رسیدن به اهداف ۱۴۰۴ می باشد و با توجه به سهم ۲۰ درصدی این بخش در اقتصاد کشور در برنامه های توسعه، برای دستیابی به اقتصاد دانش بنیان بایستی شرایط لازم برای ابداع و نوآوری فراهم شود تا توانایی تبدیلی ایده ها به محصولات از طریق سرمایه گذاری، به تولید محصولات جدید منجر شود. در مقاله حاضر، ویژگی ها و کارکردهای شرکت های دانش بنیان ارائه شده است و در نهایت، چگونگی تأثیرگذاری این شرکت ها بر مؤلفه های اقتصاد مقاومتی بررسی شده است. روش تحقیق این مقاله استفاده از تحلیل استقرا و کتابخانه ای می باشد.

واژگان کلیدی: اقتصاد مقاومتی، اقتصاد دانش بنیان، شرکت های دانش بنیان، رشد اقتصادی، بهره وری، اقتصاد دانش

محور

^{۱۳۹} - دانشیار اقتصاد، دکتری اقتصاد، عضو هیات علمی دانشگاه رازی کرمانشاه sh_fatahi@yahoo.com

^{۱۴۰} - *نویسنده مسئول، دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه رازی کرمانشاه (۰۹۱۸۳۴۱۹۸۴۸)@yahoocom abas_azadi۲۰۰۰

^{۱۴۱} - دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه رازی کرمانشاه allihayatnia@gmail.com

بهاش ملی اقتصاد مقاومتی "چالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

مقدمه

با ظهور انقلاب اسلامی، شکل تازه ای از حکومت در دنیا پدیدار شد که بنای سازگاری با قطب قدرت استکبار را نداشته و بدنبال رفع فقر و ایجاد عدالت و رشد مبانی به مبارزه با استکبار پرداخت. ظهور چنین حکومتی آن هم در منطقه خاورمیانه که از لحاظ اقتصادی و ژئوپلیتیکی دارای اهمیت بسیار زیاد است، باعث شد که نظام استکبار جهانی با تمام قوا به مبارزه با انقلاب برخیزد. با پایان یافتن جنگ و عدم پیروزی استکبار در زمینه های نظامی، تهاجمات به عرصه های دیگر کشیده شد. یکی از این عرصه ها که خصوصاً در سالهای اخیر با تهاجمات گسترده همراه بوده است، "عرصه اقتصادی" است. بنابراین خود انقلاب اسلامی مکلف به نوآوری و نظریه پردازی و الگوسازی در عرصه های جدید اقتصادی است. هر کشوری که علم استکبارستیزی را برپا کند، نیازمند چنین الگوهایی است. یکی از این مفاهیم "اقتصاد مقاومتی" است.

اقتصاد مقاومتی مجموعه ای از استراتژی هایی است که در شرایط تحریم تجویز می شود. در این استراتژی تمامی عوامل اقتصادی اعم از دولت، تولیدکنندگان و خانوارها وظایفی را عهده دار می شوند که اجرای آنها نه تنها آسیب پذیری اقتصاد در شرایط تحریم را به صفر می رساند، بلکه باعث شکوفایی و رشد اقتصادی در شرایط مذکور نیز می شود. راهبردهای «مردمی کردن اقتصاد»، «کاهش وابستگی به نفت»، «استفاده ی حداکثری از زمان، منابع و امکانات»، «حرکت بر اساس برنامه»، «وحدت و همبستگی»، «حمایت از تولید ملی» و «مدیریت منابع ارزی» راهبرد خاص دولت و «مدیریت مصرف» راهبرد مشترک آحاد ملت و دولت است. البته با بررسی تأکیدات رهبری در زمینه ی این راهبردها، متوجه وزن بالای راهبرد مدیریت مصرف در برابر سایر استراتژی ها می شویم. (قائمی نیا، ۱۳۹۱)

اقتصاد مقاومتی یک نظام اقتصادی است که هماهنگ با سیاست های کلان سیاسی و امنیتی نظام اسلامی و برای مقاومت در برابر اقدامات تخریبی شکل می گیرد تا بتواند در برابر ضربات اقتصادی تحریم ها و توطئه های گوناگون اقتصادی نظام استکبار مقاومت کرده و توسعه و پیشرفت خود را ادامه دهد. در این راستا اقتصاد دانش بنیان می تواند راهکاری برای دست یابی به این مهم باشد که نه تنها به عنوان یک نیاز اساسی برای کشورهای در حال توسعه نظیر ایران به شمار می آید بلکه اجتناب از حرکت به سمت چنین اقتصادی توان رقابتی را به شدت کاهش می دهد. این اقتصاد با وقوع تحولات علمی و تحقیقاتی، دگرگونی عمیقی در عرصه رشد و تولید اقتصادی ایفا می کند. اقتصاد مبتنی بر علم و دانش موجب رشد و توسعه پایدار جامعه و در نهایت تحقق اقتصاد مقاومتی می شود. از سوی دیگر تلاش برای بهبود بهره وری تلاش برای زندگی بهتر افراد و جامعه است. به همین دلیل امروزه تمام کشورهای جهان در پی به دست آوردن پیشرفت هایی در زمینه بهره وری هستند؛ بدین معنی که بتوانند با مصرف منابع کمتر به مقدار تولید ملی بیشتری دست یابند (رضانپور و همکاران، ۱۳۹۱).

اقتصاد مقاومتی یک اقتصاد انسان پایه و دانش بنیان است. در این اقتصاد ملاک کسب درآمد بیشتر، برخورداری از توانمندی و دانش بالاتر است. صرف برخورداری از زمین یا سرمایه ملاک کسب درآمدهای یک شبه و خلق الساعه در این اقتصاد نیست. بلکه به کارگیری دانش، خلاقیت و نوآوری عامل اصلی رشد و موفقیت افراد است. ولی در سایر مدل های

همایش ملی اقتصاد مقاومتی "چالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

اقتصادی مانند اقتصاد سرمایه داری، سرمایه حرف اول را می زند و به اصطلاح «پول، پول می آورد». کشور ما با برخورداری از نسل جوان تحصیلکرده نیازمند چنین اقتصادی است که در آن افراد تحصیلکرده فرصت به کارگیری تحصیلات و دانش خود را بیابند و بتوانند از محل آن، معیشت خود را در سطح مناسبی تامین نمایند.

شرکت‌های دانش‌بنیان نقش محوری در ساختار اقتصاد دانش‌بنیان بازی می‌کنند. این شرکت‌ها، با توجه به ویژگی‌های خود و پویایی و تطبیق با شرایط محیط پیرامونی و انعطاف‌پذیری بالا، ظرفیت مناسبی برای مواجهه با شرایط تحریم را دارا هستند. نقش این شرکت‌ها در شکل‌گیری و توسعه‌ی اقتصاد مقاومتی بسیار قابل ملاحظه است. همچنین شرکت‌ها و موسسات دانش‌بنیان شرکت یا موسسه خصوصی یا تعاونی هستند که به منظور هم‌افزایی علم و ثروت، توسعه اقتصاد دانش‌محور، تحقق اهداف علمی و اقتصادی (شامل گسترش و کاربرد اختراع و نوآوری) و تجاری‌سازی نتایج تحقیق و توسعه (شامل طراحی و تولید کالا و خدمات) در حوزه فناوری‌های برتر و با ارزش افزوده فراوان به ویژه در تولید نرم افزارهای مربوط تشکیل شده‌اند. منظور از تولید ثروت از دانش در شرکت‌های دانش‌بنیان این است که این شرکت‌ها بتوانند با تولید محصولات علمی، ارزش افزوده آنها را هم افزایش دهند تا در دنیای رقابتی، از استانداردهای لازم برخوردار باشند و مطلوبیت خود را برای مشتریان حفظ کنند. امروزه دانش مهم‌ترین دارایی یک کشور است و سرمایه‌های فکری ابزار اصلی توسعه و پیشرفت محسوب می‌شوند. بر این اساس، حمایت‌های ویژه‌ای نظیر معافیت از پرداخت مالیات، عوارض، حقوق گمرکی، سود بازرگانی و عوارض صادراتی، تأمین تمام یا بخشی از هزینه تولید، عرضه یا به کارگیری نوآوری و فناوری با اعطای وام کم بهره یا بدون بهره و ... از این شرکت‌ها صورت گیرد. از منظر مقام معظم رهبری، یکی از بهترین مظاهر و موثرترین مولفه‌های اقتصاد مقاومتی، شرکت‌های دانش‌بنیانند که می‌توانند اقتصاد مقاومتی را پایدار تر کنند. رهبر معظم انقلاب اسلامی، رشد اقتصادی حقیقی را در گرو تولید ثروت از طریق دانش و علم می‌دانند و می‌فرمایند: «اگر شرکت‌های دانش‌بنیان جدی گرفته شوند و از توسعه کمی و کیفی آنها حمایت شود، به واسطه ثروت آفرینی از طریق علم، اقتصاد کشور به شکوفایی حقیقی خواهد رسید.» در حال حاضر بیش از سه هزار شرکت دانش‌بنیان در پارک‌های علمی و فناوری کشور فعالیت دارند و با توجه به قانون حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان، تعداد آنها تا پایان برنامه پنجم توسعه به ۲۰ هزار شرکت افزایش می‌یابد.

مقاله‌ی حاضر، پس از تعریف مفهوم اقتصاد مقاومتی و استخراج مؤلفه‌های آن بر اساس نقاط آسیب‌زای اقتصاد، سعی در تبیین راهبرد توسعه‌ی شرکت‌های دانش‌بنیان جهت تحقق اقتصاد مقاومتی دارد. به این منظور، در مرحله‌ی بعد، تعاریفی از اقتصاد مقاومتی و اقتصاد دانش‌بنیان خواهد آمد و به تبیین اقتصاد دانش‌بنیان به عنوان بستر توسعه‌ی شرکت‌های دانش‌بنیان می‌پردازد. در ادامه، تعریف، ویژگی‌ها و کارکردهای شرکت‌های دانش‌بنیان ارائه شده است و در نهایت، چگونگی تأثیرگذاری این شرکت‌ها بر مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی بررسی خواهد شد.

اقتصاد مقاومتی

برای درک بهتر اقتصاد مقاومتی لازم است ابتدا دشمن‌شناسی را بصورت مختصر فراگیریم. ما دشمنانی داریم که در طول تاریخ، علیه نظام و ملت ایران خصومت‌هایی را اعمال کرده‌اند. ما باید بفهمیم هدف آنها چیست یا مثلاً می‌خواهند چه

همایش ملی اقتصاد مقاومتی "چالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

چیز را دستاویز قرار دهند؟ آیا حقوق هسته‌ای، حقوق بشر، حقوق سیاسی یا امثال این مسائل، صرفاً دستاویزهایی هستند برای هدف دیگر؟

وقتی بررسی می‌کنیم، می‌بینیم که حدود ۳۳ سال پیش، نظامی شکل گرفت که ادعا داشت منافع مستکبران را در جهان به خطر می‌اندازد. البته نه اینکه بخواهد وارد برخوردهای فیزیکی شود. این نظام یک ایدئولوژی، الگوی حکومتی و سبکی از زندگی و تمدنی را معرفی می‌کند که تحقق این سبک و تمدن در جهان باعث می‌شود که منافع اقتصادی مستکبرین زیاده‌خواه به شدت تحت تأثیر قرار گیرد.

آن‌ها اول این ادعا را جدی نگرفتند، اما بعد دیدند پایه‌های این الگو واقعاً به لحاظ نظری استوار است و بعد از گذشت چند سال، فهمیدند که این ادعا از لحاظ عمل نیز عملیاتی و قابل اجراست.

در سال‌های اخیر، فهمیدند که کشورهای دیگری هم که با مبنای اسلامی، انقلاب می‌کنند، خودبه‌خود به سمت این الگو کشش دارند؛ الگویی که چندین سال توانسته است در مقابل دشمنی‌ها دوام بیاورد، مبانی نظری و ایدئولوژی اصلی خود را تا حد زیادی به منصفی ظهور برساند، جامعه‌ای تشکیل و نظامی را سر و سامان دهد که این نظام امید دارد در آینده با سرعت بسیاری پیشرفت کند و نویدبخش ایجاد یک تمدن جدید باشد که بساط تمدن غرب را به کلی در هم خواهد پیچید

در سال ۸۲، چند هفته قبل از اینکه مسئله هسته‌ای به صورت جدی‌تر مطرح شود، مسائل دیگری برای نظام استکبار و سلطه دستاویز قرار گرفته بود؛ زیرا آن‌ها تلاش می‌کردند بنیان این الگو را از بیخ برکنند. اگر در خاطر ملت باشد، سال ۸۲ سالی بود که به خاطر مسئله حجاب، جهان غرب داشت از شورای امنیت علیه ایران مجوز تحریم می‌گرفت که بعد از آن، مسئله هسته‌ای مطرح شد و حالا این مسئله را دستاویز قرار داده‌اند.

به طور کلی، الگوی خصومت خارجی علیه نظام یا ملت اسلامی ایران به دنبال ریشه‌کنی این نظام و ملت است و همچنین به دنبال این است که این شجره‌ی طیبه‌ی شکل گرفته و این الگوی مجسم را از بین ببرد. به همین دلیل، در هر زمان مستمسک به یک مسئله می‌شوند. اگر حقوق هسته‌ای را کنار بگذاریم، حقوق زن را مطرح می‌کنند؛ اگر این موضوع را همان طور که آن‌ها گفتند انجام دهیم، بعد مسئله حقوق بشر مطرح می‌کنند؛ آن را کنار بگذاریم، مسئله‌ی مواضع سیاسی ما در مورد جبهه‌ی مقاومت و اسرائیل را علم می‌کند و در نهایت آن قدر پیگیری می‌کنند تا این که نظام دست از تمام مواضع اصولی خود بردارد. یعنی آن هیمنه‌ای که برای این نظام در طی این ۳۳ سال شکل گرفته است، کلاً فرو بریزد یا اینکه موجودیت خود را از دست بدهد، ریشه‌کن شود و به کلی از بین برود. هدف آن‌ها این است (عبدالملکی، ۱۳۹۳)

در تعریفی که از اقتصاد مقاومتی میتوان عنوان کرد، چهار شاخه همراستا موجب به حرکت در آوردن و پررنگ حرکت نقش اقتصاد مقاومتی در شرایط کنونی تحریم‌ها و مقاوم سازی اقتصاد است (پیغامی، ۱۳۹۲).

الف) اقتصاد موازی: منظور از اقتصاد موازی ایجاد تشکل‌ها و نهادهایی است که در گشته توانسته اند خلاءهای زمان خود را پر کنند از جمله کمیته امداد، جهاد سازندگی، سپاه پاسداران، بنیاد مسکن و...

بهاش ملی اقتصاد مقاومتی "حالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

ب) اقتصاد ترمیمی: تعریف دوم از اقتصاد مقاومتی عبارت از اقتصادی است که در پی «مقاوم سازی»، «آسیب زدایی»، «خلل گیری» و «ترمیم» ساختارها و نهادهای فرسوده و ناکارآمد موجود اقتصادی است. یعنی اگر در رویکرد قبلی می گفتیم که فلان نهاد نمی تواند انتظارات ما را برآورده کند، در رویکرد جدید به دنبال آن هستیم که با بازتعریف سیاست های نهادهای موجود، کاری کنیم که انتظارات ما را برآورند. مثلاً غرب پس از دو شوک نفتی اقدام به جایگزینی سوخت های فسیلی با سایر سوخت های نوین کرد؛ به طوری که امروزه با قیمت های بالای یک صد دلار نیز دچار شوک نفتی نمی شود. با این توضیحات ما امروز فقط نیازمند عزمی ملی برای اجرای این پروژه ملی و ارزشی هستیم.

ج) اقتصاد دفاعی: تعریف سوم از اقتصاد مقاومتی، متوجه «هجمه شناسی»، «آفند شناسی» و «پدافند شناسی» ما در برابر آن هجمه است. یعنی ما باید ابتدا بررسی کنیم که مخالفان ما حمله به اقتصاد ایران و اخلاص در آن را چگونه و با چه ابزارهایی صورت می دهند. بنابراین وقتی به اقتصاد مقاومتی دست یافته ایم که ابزارها و شیوه های هجمه ی دشمن را پیشاپیش شناخته باشیم و بر اساس آنها استراتژی مقاومت خود را علیه آنان تدوین و اجرا کنیم. بدیهی است تا آفند دشمن شناخته نشود، مقاومت متناسب با آن نیز طراحی و اجرا نخواهد شد.

د) اقتصاد الگو: اقتصاد مقاومتی یک رویکرد کوتاه مدت سلبی و اقدامی صرفاً پدافندی نیست؛ بر خلاف سه تعریف قبلی که اقتصاد مقاومتی را یا پدافندی یا کوتاه مدت می دانستند، این رویکرد چشم اندازی کلان به اقتصاد جمهوری اسلامی ایران دارد و یک اقدام بلندمدت را شامل می شود. در این رویکرد، ما در پی «اقتصاد ایده آلی» هستیم که هم اسلامی باشد و هم ما را به جایگاه اقتصاد اول منطقه برساند؛ اقتصادی که برای جهان اسلام الهام بخش و کارآمد بوده و زمینه ساز تشکیل «تمدن بزرگ اسلامی» باشد. بدین معنا اساساً در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، یکی از مؤلفه های مهم الگو می باید متضمن مقاومت و تحقق آن باشد. در این مقوله است که اقتصاد مقاومتی مشتمل بر اقتصاد کارآفرینی و ریسک پذیری و نوآوری می شود.

اقتصاد مقاومتی یعنی تشخیص به موقع نقاط فشار و اقدام سریع جهت کنترل و بی اثر کردن تحریم ها و تبدیل فشارهای پیش آمده به فرصت، که لزوماً عبور از این گردنه، مشارکت همه مردم را می طلبد. نتیجه اینکه راه چاره، کم کردن وابستگی ها، حمایت از تولید ملی، التزام به مصرف کالاهای ایرانی و نیز تلاش برای استقلال و خوداتکایی اقتصادی است (حاتم طایی نبرد، ۱۳۹۲).

بنا به تعریف برخی از اقتصاددانان از اقتصاد مقاومتی، این نوع اقتصاد معمولاً در رویارویی و تقابل با اقتصاد وابسته و مصرف کننده یک کشور قرار می گیرد که منفعل نیست و در مقابل اهداف اقتصادی سلطه، ایستادگی نموده و سعی در تغییر ساختارهای اقتصادی موجود و بومی سازی آن بر اساس جهان بینی و اهداف دارد. برای تداوم این نوع اقتصاد، باید هرچه بیشتر به سمت محدود کردن استفاده از منابع نفتی و رهایی از اتکای اقتصاد کشور به این منابع حرکت کرد و توجه داشت که اقتصاد مقاومتی در شرایطی معنا پیدا می کند که جنگی وجود داشته باشد و در برابر جنگ اقتصادی و همچنین جنگ نرم دشمن است که اقتصاد مقاومتی معنا پیدا میکند. (غفارپور و همکاران، ۱۳۹۲).

بهاش ملی اقتصاد مقاومتی "جالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

برای رسیدن به الگوی اقتصاد مقاومتی باید فرهنگ مقاومت را بازتعریف و از انحصار تعریف در مفهومی خاص خارج نمود. مقاومت برچسب یک گروه و یک جریان سیاسی و حتی اقتصادی نیست، بلکه یک باور است که اعتماد به نفس ملی و همت و کار مضاعف و نوآوری و وجدان کاری و انضباط مالی و خدمت‌رسانی به مردم و اصلاح الگوی مصرف را در درون خود دارد و با باور به این اصول، ارزش‌های خود را در عرصه‌ی اقتصاد بازتولید می‌کند و قدرت اقتصادی درون‌زایی فراهم می‌سازد (اخضریان کاشانی، ۱۳۹۲). اقتصاد مقاومتی معنایش این است که ما یک اقتصاد داشته باشیم که هم روند رو به رشد اقتصادی در کشور محفوظ بماند؛ هم آسیب‌پذیری‌اش کاهش پیدا کند؛ یعنی وضع اقتصادی کشور و نظام اقتصادی جوری باشد که در مقابل ترفندهای دشمنان که همیشگی و به شکلهای مختلف خواهد بود، کمتر آسیب ببیند و اختلال پیدا کند (بیانات مقام معظم رهبری).

۱- ۲ ضرورت‌ها و انگیزه‌های اقتصاد مقاومتی

۱. ظرفیتهای فراوان مادی و معنوی کشور ۲. ظرفیتهای عالی انسانی و نیروهای تحصیل کرده ۳. سرمایه‌های عظیم معدنی، طبیعی و صنعتی ۴. تهدیدهای اقتصادی خارجی ۵. بحرانهای اقتصادی جهانی

۲- ۲ مهمترین مشخصه‌های اقتصاد مقاومتی

۱. ایجاد تحرک، پویایی و بهبود شاخصهای کلان همراه با عدالت اجتماعی ۳. توانایی مقاومت در برابر عوامل تهدیدزا ۳. تکیه بر ظرفیتهای داخلی ۴. رویکرد جهادی، همت جهادی، مدیریت جهادی ۵. مردم‌محوری در اقتصاد مقاومتی ۶. امنیت اقلام راهبردی و اساسی ۷. کاهش وابستگی به نفت ۸. اصلاح الگوی مصرف، صرفه‌جویی و پرهیز از هزینه‌گردهای زائد ۹. فسادستیزی و امنیت اقتصادی ۱۰. دانش‌محوری و اقتصاد دانش‌بنیان نیروهای انسانی

چاله‌های موجود در اقتصاد ایران

دولتی بودن اقتصاد: دولتی بودن اقتصاد یکی از اساسی‌ترین نقاط ضعف اقتصاد ایران است که زمینه‌ی تهدیدهای خارجی را نیز فراهم می‌آورد. در واقع ساختار اصلی اقتصاد و بنگاه‌های اقتصادی کشور را شرکت‌های بزرگ دولتی تشکیل می‌دهند. این شرکت‌ها، به علت پایین بودن بهره‌وری و نداشتن پویایی و قدرت تحول، توان انطباق کافی با تغییرات و تهدیدهای محیطی را ندارند. همچنین در چنین شرکت‌هایی، به علت ویژگی‌های خاص ساختاری، زمینه‌ی نوآوری و بهینه‌کردن محصولات پایین و زمینه‌ی شیوع فساد به عنوان تهدید داخلی اقتصاد بسیار بالاست. از این رو، یکی از مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی مردمی کردن اقتصاد به شمار می‌رود که مورد تأکید رهبر معظم انقلاب نیز قرار گرفته است.

وابستگی اقتصاد ایران و بودجه‌ی دولت به فروش مواد خام و با ارزش‌افزوده‌ی پایین: مصداق بارز این موضوع وابستگی اقتصاد به فروش نفت خام است. ریشه‌ی اصلی این معضل در ضعف دانش و تکنولوژی در این صنعت و شرکت‌های فعال در این حوزه است که متأسفانه این مسئله باعث شده است نقطه‌ی قوتی به نام وجود منابع زیرزمینی، به اهرمی برای تحریم و فشار بر اقتصاد ایران تبدیل شود. بنابراین یکی دیگر از مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی کاهش و قطع وابستگی به نفت است.

بهاش ملی اقتصاد مقاومتی "چالشها، واقعيتها، راهكارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

یکی دیگر از نقاط تهدیدزای اقتصاد ایران مدیریت مصرف است. این موضوع، از یک سو، مربوط به تعادل و عدم اسراف در مصرف و از سوی دیگر، مرتبط با اهمیت مصرف تولیدات داخلی از سوی مصرف کننده‌ی داخلی است. بنابراین یکی دیگر از مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی موضوع مدیریت مصرف است.

بهره‌وری پایین عوامل تولید و استفاده‌ی نامناسب و ناکارا از منابع، امکانات و زمان از دیگر نقاط ضعف اقتصاد ایران است. بنابراین بالا بردن بهره‌وری نیز یکی دیگر از مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی به شمار می‌رود.

یکی از نقاط ضعف اقتصاد کشور پایین بودن میزان خلاقیت و نوآوری و ضعف فناوری بنگاه‌های اقتصادی است. به همین دلیل، رهبر معظم انقلاب نیز یکی از مهم‌ترین مظاهر و مؤثرترین مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی را شرکت‌های دانش‌بنیان دانسته‌اند. همچنین ایشان در جای دیگری از اقتصاد دانش‌بنیان به عنوان یکی از سرفصل‌های اقتصاد مقاومتی نام می‌برند.

وابستگی کشور به کالاهای حیاتی و استراتژیک خارجی: اگرچه در سال‌های پس از انقلاب، کشور در بسیاری از نیازهای حیاتی به خودکفایی رسیده است، اما هنوز هم در بخشی از مهم‌ترین نیازهایش به خارج وابسته است. به طور کلی آمار واردات کشور نشان می‌دهد که بیش از ۲۵ درصد واردات کشور در بیست قلم کالا خلاصه می‌شوند که بخش عمده‌ای از آنها به نیازهای مهم و استراتژیک کشور مرتبط هستند.

یکی دیگر از چالش‌های اقتصاد مقاومتی ضعف تولید ملی و عدم توان خودکفایی در تولید کالاهای استراتژیک مورد نیاز کشور است. بنابراین حمایت از تولید ملی نیز یکی دیگر از مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی محسوب می‌شود. (جباری پور هریس، ۱۳۹۲).

الزامات و انتظارات اقتصاد مقاومتی

۱. عزم جدی مسئولان و مدیران اصلی و فعالان مردمی ۲. ورود به میدان عمل، اقدام و تبدیل نقشه راه به برنامه عمل
۳. تبدیل به برنامه، سیاستهای اجرایی و برنامه‌های اجرایی در هر بخش همراه با زمانبندی ۴. هماهنگی میان بخشهای گوناگون با سازوکار ۵. نظارت در همه‌ی سطوح ۶. رفع موانع و موانع قانونی قوانین مزاحم موانع حقوقی و قضائی
۷. گفت‌وگو سازی، اطلاع‌رسانی، رصد و پایش.

اگر ما بتوانیم بنیانگذاری کارهای اقتصادی بر پایه‌ی دانش را پیش ببریم و به وجه غالب اقتصاد کشور تبدیل کنیم، این نه تنها به کشور قدرت اقتصادی خواهد داد، بلکه قدرت سیاسی هم خواهد داد، قدرت فرهنگی هم خواهد داد. وقتی یک کشوری احساس کرد که با علم خود، با دانش خود میتواند زندگی خود را و ملت خود را اداره کند و به دیگر ملتها خدمت برساند، احساس هویت میکند، احساس شخصیت میکند؛ این درست همان چیزی است که ملتهای مسلمان امروز به آن احتیاج دارند (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱).

اقتصاد دانش بنیان

اقتصاد مقاومتی، اقتصاد دانش بنیان است؛ یعنی از پیشرفت‌های علمی استفاده میکند، به پیشرفت‌های علمی تکیه میکند، اقتصاد را بر محور علم قرار می‌دهد؛ اما معنای آن این نیست که این اقتصاد منحصر به دانشمندان است و فقط دانشمندان میتوانند نقش ایفا کنند در اقتصاد مقاومتی. نخیر، تجربه‌ها و مهارت‌ها تجربه‌های صاحبان صنعت، تجربه‌ها و مهارت‌های

همایش ملی اقتصاد معاومتی "چالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

کارگرانی که دارای تجربه و مهارت اند. می تواند اثر بگذارد و می تواند در این اقتصاد نقش ایفا کند. اینکه گفته میشود دانش محور، معنای آن این نیست که عناصر باتجربه ی صنعتگر یا کشاورز که در طول سال های متمادی کارهای بزرگی را براساس تجربه انجام داد هاند، این ها نقش ایفا نکنند. نخیر، نقش بسیار مهمی هم به عهده ی این هاست (بیانات مقام معظم رهبری). در حقیقت اقتصاد دانش بنیان با بهره وری بیشتر عوامل تولید و رفتار بهینه ی اقتصادی از نظر تخصیص منابع کار می کند و در نتیجه، دارای نرخ رشد بالاتری خواهد بود.

رابطه میان دو مقوله اقتصاد و دانش با لحاظ کردن زیرمجموعه های هر یک از آنها را می توان از دو منظر کلی مورد بررسی قرار داد؛ منظری که در آن اقتصاد به معنی رایج آن موضوع محوری است و نقش و تأثیر دانش در توسعه و پویایی آن مورد بحث و بررسی قرار می گیرد. در منظر دوم، دانش و زیرمجموعه های آن محور بحث است و جنبه های اقتصادی دانش از جمله تولید و توزیع و مصرف آن بررسی می شود. (Rooney, Hearn and Ninan, 2005).

در حالی که مدل های اولیه ی رشد اقتصادی بیشتر بر عوامل فیزیکی تولید (مانند سرمایه ی فیزیکی، نیروی کار و زمین) به عنوان منابع تولید تأکید کرده اند، برخی از مدل های رشد نئوکلاسیکی، دانش را عاملی برونزا در تعیین رشد اقتصادی می دانند؛ اما در مدل های جدید رشد، عامل دیگری نیز با عنوان بهره وری عوامل تولید به عنوان یکی از ارکان رشد معرفی می شود و دانش یکی از مؤثرترین عوامل در بهره وری و رشد اقتصادی مطرح می گردد. بنابراین می توان نتیجه گرفت که اقتصاد دانش بنیان تأثیر بسزایی در افزایش تولید سرانه ی بالاتر، کاهش نابرابری در توزیع درآمد و در عین حال، اصلاح شاخصه های اصلی توسعه ی پایدار دارد.

از اوایل دهه ۹۰ با ظهور نظریه های رشد درونزا اقتصاددانان به اهمیت دانش به عنوان عامل اصلی در حفظ رشد پایدار اشاره کردند و در همین دهه بود که ادبیات مدیریت دانش در سطح بنگاه ها به سرعت رشد کرد. (سوزنچی، ۱۳۹۰: ۲۱) توجه به نقش دانش در اقتصاد و رشد اقتصادی موضوع جدیدی نیست، به نحوی که آدام اسمیت در قرن نوزدهم به نقش تخصص در تولید و اقتصاد توجه داشته و فردریک لیست تأکید کرده است که خلق و توزیع دانش به بهبود کارایی در اقتصاد کمک می کند. طرفداران شومپیتر نظیر هیرشمن، گالبرایت و گودوین به نقش ابداع و نوآوری در پویایی اقتصاد توجه خاص داشته و رومر و گروسمن نیز با عرضه نظریه جدید در زمینه سرمایه انسانی، برای علم و دانش در رشد بلند مدت اقتصادی نقش عمده ای قائل شده اند. (کلارک، ۲۰۰۱). تولیدکنندگان دانش و فراهم کردن محیطی مناسب برای نوآوری و خلاقیت می باشند. عصر دیجیتالی فقط عصر ماشین های هوشمند نیست بلکه عصر انسان هایی است که هوش، دانش و خلاقیت را از طریق شبکه ها ترکیب می کنند تا به پیشرفت های قابل توجهی در توسعه اجتماعی، اقتصادی و خلق ثروت نائل گردند. با ارزش ترین دارایی در اقتصاد دانش محور، دارایی های فکری می باشند؛ که به دانش و تجربه کسب شده توسط کارکنان یا ذخیره شده در شبکه های دیجیتالی یا سری داده ها بر می گردد (عظیمی و برخورداری، ۱۳۸۷: ۳۳)

پایش ملی اقتصاد معاومتی "چالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

در عصر حاضر، اصطلاح اقتصاد دانش بنیان یا اقتصاد دانشی که توسط سازمان همکاری اقتصادی و توسعه^{۱۴۲} مورد تأکید خاص در استراتژی توسعه ملل قرار گرفته، گویای تأکید در نقش دانش و فناوری در جریان توسعه اقتصاد است؛ از این رو می‌توان گفت در اقتصاد دانش بنیان به دانش از نظر کیفی و کمی با اهمیت تر از گذشته نگریسته شده است (ناظران و اسلامی فر، ۱۳۸۹:۳). امروزه دانش و نوآوری بعنوان عوامل مهم ایجاد ثروت پذیرفته شده و در سطح خرد و کلان فرصتها و چالشهای جدیدی را فراهم کرده اند. در سطح کلان کشورهای در حال توسعه و سازمانهای اقتصادی بین المللی اقدام به ایجاد راهبردها و چارچوبهایی برای رسیدن به اقتصاد دانش محور که در آن ثروت و درآمد بر اساس توانایی های دانش و نوآوری است، تلاش می کنند. در دو دهه آخر قرن بیستم نظریه پردازان اقتصادی نظیر رومر^{۱۴۳} (۱۹۹۲-۱۹۸۶)، مک لاپ^{۱۴۴} (۱۹۸۰-۱۹۸۴) و دراکر^{۱۴۵} (۱۹۸۸) عصر جدید اقتصادی را پیش بینی کردند که در آن، دانش منبع اصلی ثروت به شمار می آید.

در ایران بین محورهای مختلف دانش (سرمایه انسانی و آموزش، رژیمهای نهادی و اقتصادی و زیرساختهای اطلاعاتی) رابطه بلندمدت وجود دارد و تمام محورهای دانش تأثیر مثبت بر رشد اقتصادی ایران دارند (بهبودی و امیری، ۱۳۸۹).

سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، اقتصاد دانش بنیان را در سال ۱۹۹۶ به عنوان اقتصادی که به طور مستقیم مبتنی بر تولید، توزیع و استفاده از دانش و اطلاعات می باشد تعریف نمود. به علاوه بیان کرد که سرمایه گذاری های دانش، توزیع دانش از طریق شبکه های رسمی و غیر رسمی برای عملکرد اقتصادی ضروری است. به طور فزاینده دانش از طریق کامپیوتر و شبکه های ارتباطی در حال تدوین و انتقال است تا جامعه اطلاعاتی را ایجاد نماید. همچنین اقتصاد دانش بنیان می تواند به عنوان اقتصادی را که در آن تولید، توزیع و استفاده از دانش مهمترین محرکه های رشد، ایجاد ثروت و اشتغال در تمام صنایع هستند تعریف شود (OECD, ۱۹۹۶:۷).

فرآیندهای تولید دانش، توزیع و انتقال و کاربرد آن چهار فرآیند اساسی در اقتصادهای مبتنی بر دانش هستند. حجم و چگونگی رابطه این فرآیندها متمایز کننده اقتصادهای مدرن از اقتصادهای سنتی می باشند. در اقتصادهای سنتی حجم این فرایندها اندک و رابطه بین آنها خطی است؛ یعنی ابتدا دانش تولید می شود، آنگاه توزیع شده و منتقل می گردد و در نهایت مورد استفاده قرار می گیرد. بین استفاده از دانش و تولید آن رابطه مستقیم وجود ندارد. بلکه یک رابطه غیر مستقیم یک طرفه به واسطه انتقال دانش شکل گرفته است که ضامن هیچگونه پویایی نیست (عمادزاده و شهنازی، ۱۳۸۶:۱۵۱).

در هر نظام اقتصادی دارایی های دانشی به ارث رسیده از تلاش های گذشته وجود دارد. با این حال، به منظور تبدیل به محصولات نوآورانه، دارائیهها باید با هم مرتبط شوند. این هدف در صورتی که روش های جدید توسعه و اکتساب و همچنین گسترش دانش باهم ترکیب شوند قابل دستیابی است. به عبارت دیگر، چشم انداز سیستم اقتصاد دانش بنیان تنها اگر محیط سازمانی، اقتصادی و نظارتی برای حمایت از کسب، استفاده و توسعه دانش ایجاد شوند؛ تحقق می یابد که به نوبه خود خلاقیت و انگیزه برای نوآوری را به وجود می آورد. شناسایی بازیگران اصلی برای درک اقتصاد دانش بنیان ضروری

^{۱۴۲} -Organization for Economic Co-operation and Development (OECD)

^{۱۴۳} -Romer

^{۱۴۴} -Mechlap

^{۱۴۵} -Deraker

همایش ملی اقتصاد معاومتی "جالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

است. سه بازیگر اصلی توسط محققان در اقتصاد دانش بنیان شناخته شده اند. فعالیت هایی نظیر تولید، تدوین، انتشار و انباشت دانش اغلب بر عهده دانشگاه است که در آن فعالیت هایی مانند تحقیق و توسعه به منظور کشف دانش و ایده های جدید صورت می گیرد (رمضانپور و همکاران، ۱۳۹۱: ۳)

نقش دانش بعنوان عاملی جهت اقتصاد دانش بنیان

به لحاظ نظری دانش به دو طریق بر میزان تولید در سطح خرد، بخشی یا کلان تأثیر می گذارد: به عنوان یک عامل تولید جدید یا افزایش دهنده بهره وری کلی عوامل تولید (شعبانی و همکاران، ۱۳۹۰)

۱- دانش به عنوان عامل تولید جدید

از مهمترین پدیده های اقتصادی در دوره اقتصاد جدید، ورود دانش به تابع تولید به عنوان نهاد های بسیار مهم است. همان گونه که در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، سرمایه فیزیکی و انرژی به عنوان دو عامل تولید راهبردی بر تأثیر مهم نیروی کار ساده و زمین دو عامل سنتی تولید غلبه کردند، در عصر اطلاعات و اقتصاد دانش پایه نیز دانش و اطلاعات به مهمترین عامل تولید تبدیل شدند. از این رو، در توابع تولید جدید، تأثیر دانش و فناوری، بسیار مهم است. اگر شکل عمومی تابع تولید را در دوره سنتی اقتصاد معادل رابطه (۱) بدانیم،

$$Y_i = f_i(L_i, Land_i) \quad (1)$$

که در آن Y_i میزان تولید در بخش i ، L_i میزان نیروی کار مشغول به فعالیت در بخش i و $Land_i$ سطح زمین اختصاص یافته برای فعالیت در بخش i است، در دوره اقتصاد صنعتی، با افزایش تعداد نهاده های اصلی تولید، شکل عمومی تابع تولید به صورت رابطه (۲) درآمد

$$Y_i = G_i(L_i, Land_i, K_i, E_i) \quad (2)$$

که در آن K_i و E_i ، میزان سرمایه ثابت و انرژی مصرفی در بخش i است. در رابطه (۳)، تغییر اساسی پدید آمده در تابع تولید صنعتی نشان داده شده است،

$$\frac{\partial Y_i}{\partial K_i}, \frac{\partial Y_i}{\partial E_i} \gg \frac{\partial Y_i}{\partial L_i}, \frac{\partial Y_i}{\partial Land_i} \quad (3)$$

این معادله، بیانگر بیشتر بودن بهره وری نهاده های جدید یعنی سرمایه و انرژی به نحوی معنادار در مقایسه با عوامل تولید سنتی اقتصاد است. در واقع، آنچه موجب می شود دوره اقتصاد صنعتی، به صورت انقلابی در تاریخ تحولات اقتصادی مورد توجه قرار گیرد، تأثیر شگفت انگیز دو نهاده جدید بر میزان تولید است.

در دوره اقتصاد جدید، عامل پنجمی به نام دانش به چهار نهاده قبلی اضافه گردید. رابطه (۴) شکل عمومی تابع تولید را در عصر جدید نشان می دهد.

$$Y_i = H_i(L_i, Land_i, K_i, E_i, I_i) \quad (4)$$

در این معادله، I_i میزان دانش مورد استفاده در فرایند تولید بخش i در اقتصاد است.

بهاش ملی اقتصاد معاومتی "جالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

بخشی از ماهیت انقلاب اقتصادی ناشی از تحول دانش پایه اقتصاد، در رابطه (۵) بیان شده است،

$$\frac{\partial Y_i}{\partial K_i}, \frac{\partial Y_i}{\partial E_i}, \frac{\partial Y_i}{\partial L_i}, \frac{\partial Y_i}{\partial Land_i} \ll \frac{\partial Y_i}{\partial I_i} \quad (5)$$

این رابطه، به معنای بهره وری بیشتر دانش نسبت به سایر نهاده های تولید است. در نتیجه چنین تأثیر شگرفی است که عنصر دانش و دانش پایه کردن اقتصادها، مورد توجه سیاستگذاران اقتصادی هوشمند در کشورهای مختلف قرار می گیرد.

مفهوم بهره وری^{۱۴۶}:

بهره وری یک طرز تفکر است، تفکر استمرار توسعه و بهبود آنچه که وجود دارد و اطمینان نسبت به انجام بهتر امور در امروز، بهتر از دیروز و فردا، شکوفاتر از امروز، و این امر تلاشی مستمر برای طرح و ایجاد فنون و روش های جدید است (لطفی، ۱۳۸۹:۵۰).

سازمانهای مختلف بین المللی با توجه به هدف های خود تعاریف مختلفی از بهره وری عرضه کرده اند. علت عدم تفاهم در مورد مفهوم بهره وری، ویژگیهای اقتصادی اجتماعی کلمه بهره وری است. برای مثال سازمان همکاری اقتصادی اروپا^{۱۴۷} بهره وری را نسبتی که صورت آن را ستاده ها و مخرج آن را داده ها تشکیل می دهد تعریف می کند. از دید سازمان بین المللی کار^{۱۴۸} بهره وری عبارت است از نسبت ستاده ها به یکی از عوامل تولید (شامل زمین، سرمایه، نیروی کار و مدیریت). تنها تفاوت این است که این سازمان، مدیریت را به عنوان یکی از عوامل تولید محسوب می کند. از دید سازمان آژانس بهره وری اروپا^{۱۴۹} بهره وری به دو شکل قابل توضیح است: یکی اینکه بهره وری عبارت است از درجه استفاده یکی از عوامل تولید و دیگری عبارت است از یک نوع طرز تفکر، که باید باور داشت که هر کاری در فردا بهتر از امروز قابل انجام است. مرکز بهره وری ژاپن^{۱۵۰} معتقد است که بهره وری یک الویت و یک انتخاب ملی است. هر فعالیتی برای افزایش بهره وری یعنی بالا رفتن رفاه اجتماعی و اقدام نمودن در این راستا به معنی دچار فقر شدن می باشد. اقدامات یک کشور برای بالا بردن بهره وری یعنی جهت دادن به رشد و توسعه و در نهایت افزایش رفاه اجتماعی کشورها در بلند مدت. به اعتقاد سازمان ملی بهره وری ایران^{۱۵۱}، بهره وری را میتوان معیار ارزیابی فعالیتها در بخش های مختلف اقتصادی - اجتماعی قلمداد کرد که با نسبت مطلوبیت حاصله (ستاده ها) بر منابع و آنچه که برای حصول به آن صرف شده است (داده ها) نشان داده می شود (شیروانی و صمدی، ۱۳۷۷: ۳۸)

امروزه بهره وری در کشورهای پیشرفته سبب تثبیت قیمتها و رشد و در کشورهای در حال توسعه سبب تغییرات ساختاری و حل مشکلات رشد و توسعه می شود. بهره وری به عنوان یک رابط از یک طرف بین مشکلات ساختاری مانند رفاه، سطح زندگی و توزیع درآمد و از طرف دیگر به عنوان واسطه ای فیما بین متغیرهای مختلف ساختار اقتصادی مانند هزینه و

^{۱۴۶} - Productivity

^{۱۴۷} - Organization for European Economic Co-operation (OEEC)

^{۱۴۸} - International Labor Organization (ILO)

^{۱۴۹} - European Productivity Agency (EPA)

^{۱۵۰} - Japan Productivity Center (JPC)

^{۱۵۱} - National Iranian Productivity Organization (NIPO)

همایش ملی اقتصاد مقاومتی "چالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

قیمت مطرح است (عالم تبریز، ۱۳۷۲: ۷۷). جهت برنامه ریزی بهبود بهره وری، یکی از راه های مهم، شناخت و حذف علل کاهش بهره وری می باشد. عوامل گوناگونی موجب عدم بهره وری می شود که از میان آنها می توان به عواملی مانند ناتوانی در اندازه گیری و تجزیه و تحلیل و مدیریت بهره وری نیروی انسانی، پراکندگی مزایا و پاداش ها بدون در نظر گرفتن میزان مسئولیت پذیری و بهره وری، توسعه بی رویه سازمان که موجب افزایش هزینه ها و کاهش رشد بهره وری می شود، انگیزه پایین در تعداد زیادی از کارگران متخصص، مسائل کارگری و انسانی و مشکلات کار گروهی، وجود قوانین قدیمی و افزایش موانع قانونی و تخصصی کردن بیش از حد کارها که خستگی و یکنواختی را در پی دارد، اشاره نمود (لطفی، ۱۳۸۹: ۵۲)

۳-۲ ضرورت توجه روز افزون به مقوله اقتصاد دانش محور را می توان این گونه برشمرد:

۱- دگرگونی تولیدات صنعت، ۲- تغییر سلايق مصرف کنندگان ۳- شدت یافتن رقابت جهانی ۴- جهانی شدن اقتصاد، ۵- فرصت استفاده و پشتیبانی از منابع اقتصادی جهان به عبارت دیگر جهانی شدن اقتصاد، ۶- استفاده از تجربه کشورهای پیشرو در این زمینه، ۷- لزوم افزایش کارایی، ۸- باز شدن درهای کشور بر اثر فشار اقتصاد دانش محور امری اجتناب ناپذیر است، لذا هرچه زودتر آنرا درک و با آن آشنا شویم و بتوانیم مزایای آنرا تشخیص داده و استفاده کنیم به نفع کشور است (جباری، ۱۳۸۷: ۴۶)

۳-۳ مزایای اقتصاد دانش محور را می توان به صورت زیر تشریح کرد:

۱- کم رنگ شدن مشکل کمیابی

دانش به طور همزمان هم نهاده ی تولیدی است و هم کالای نهایی و در هر دو وجه مشکل کمیابی در مورد آن کم رنگ تر از سایر نهاده ها و کالا ها است. دانش یک کالای فیزیکی مانند مواد اولیه و سرمایه نیست بلکه تبلور آن در کالا ها دیده می شود. علاوه بر این برخلاف سایر کالا ها، تولید دانش نیاز به مواد اولیه خاصی به جز ذهن خلاق انسان ندارد، نیروی ذهن خلاق هست که تولیدات را متحول و به سود نزدیک می کند.

۲- نهادینه شدن حقوق مالکیت معنوی: گسترش اقتصاد دانش محور منجر و به تقویت سیستم قانونی، حمایت از خلاقان و کارآفرینان دانش و نوآوری می شود. در چنین سیستمی هر ایده ای که از افراد اخذ می شود در چارچوب قوانین مناسب و سازمان یافته صورت می گیرد که این امر موجب افزایش انگیزه ی نوآوری در بین افراد جامعه شده.

۳- اثرات جانبی مثبت دانش: اثرات جانبی دانش سر ریز شدن آن در تمامی جامعه است، مایک بوسکین رئیس دانشگاه استنفرد از مثال چپس سبب زمینی و چپ های کامپیوتر استفاده می کند، پرواضح است که تولید چپس خوراکی اثر سرریز بر روی سایر کالاها ندارد ولی چپ های کامپیوتری علاوه بر درآمدی که برای تولید کنندگان آنها دارد باعث افزایش علم و دانایی در سراسر جهان شده و اثر آن محسوس است.

همایش ملی اقتصاد مقاومتی "حالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

۴- متفاوت بودن رقابت در اقتصاد دانش محور: معمولاً برای بقیه ی کالاها رقابت را به صورت مدل ارو-دبرو مطرح می کنند که در آن هزینه ی نهایی یک کالا برابر در آمد نهایی آن کالا فرض می شود ولی در مورد دانش از مدل شومپتتر استفاده شده است که بیانگر این است که درآمد نهایی می تواند بیشتر از هزینه ی نهایی باشد.

۵- سهل و ممتنع بودن تحرك دانش: دانش مانند نیروی کار نیست که جا به جایی آن هزینه های از جمله اقتصادی، اجتماعی، روانی داشته باشد. همچنین مانند سرمایه ی مالی هم نیست که هر زمان مالک سرمایه بخواهد بتواند آن را از کشور خارج کند. دانش هر زمان وارد چرخه ی تولیدی شد نه تنها جایگاه خود را حفظ می کند بلکه منجر به تولید دانش بیشتری نیز می شود.

۶- دسترسی کارگزاران اقتصادی به اطلاعات کامل تر: پیچیدگی زندگی و فراوانی اطلاعات منجر شده است که اکثر تصمیم گیری ها بر اساس اطلاعات ناقص صورت گیرد، علاوه بر آن فرایند انتقال دانش همانند سایر فرایندهای انتقال به شکل صد در صد موفق انجام نمی شود بنابراین درصدی از اطلاعات یا منتقل نمی شود و این امر مبادلات اقتصادی و روابط اجتماعی را متاثر می کند لذا اهمیت تشخیص خطاهای انسانی و اطلاعات ناقص مطرح می شود، اقتصاد دانش محور از طرفی با افزایش اطلاعات، انتقال اطلاعات را پیچیده تر ساخته ولی از طرفی با کمک تکنولوژی های جدید و فناوری اطلاعات موجب تسهیل در دسترسی در اطلاعات شده و خطاهای انسانی را کاهش می دهد.

۷- دانش یک بازی با مجموع صفر نیست: به این معنا است که در پایان یک بازی یکی از طرفین بازی به یک اندازه سود و طرف دیگر به همان میزان ضرر کند. در استفاده از دانش همه می توانند سود کنند، بدون این که به کسی ضرری برسد، البته معمولاً پیشگامان و مولدان یک علم و تکنولوژی جدید نسبت به افرادی که فقط از دیگران تقلید می کنند، سود بیشتری میبرند، در واقع یک جامعه ی مقلد صرف نظر از هزینه هایی که بایستی به عوامل ایجاد کننده ی تکنولوژی پردازد، سود و منفعت می برد.

۸- افزایش سرعت اخذ و جذب تکنولوژی های پیشرو: کشوری که یک اقتصاد دانش محور دارد سریعتر دانش های موجود در جهان را درک میکند و این کشور با کمک نیروی واحد خود می تواند به طور موثر و کارا از آن دانش استفاده کند. به عبارت دیگر در اقتصاد دانش محور، فرایند بومی شدن دانش، سریع و با سهولت و کارایی بیشتری می شود.

۹- تمایل به استفاده از فناوری های پیشرفته در بنگاه های اقتصادی: بنگاه ها در یک اقتصاد دانش محور برای حذف موانع و سدهایی که رشد و سودآوری آنها را با مشکل مواجه کرده است، اقدام به خلق فناوری می کنند که در یک ارتباط مستقیم با رشد اقتصادی قرار دارد. به علاوه در چنین سیستمی، بنگاه ها در حکم اجزایی زنجیره ای هستند که موجبات گسترش دانش را در جامعه فراهم می کنند.

۱۰- افزایش مشارکت عمومی: با رسوخ اینترنت در جوامع امروزی، افرادی که بنا به دلایلی مانند ناتوانی جسمانی و یا عهده دار بودن وظایف خاص، قادر به کار کردن در فضای بیرون از خانه نیستند، به راحتی میتوانند به پژوهش و کار مشغول شوند. افراد می توانند در خانه ی خود در انواع نظر سنجی ها شرکت کرده و حتی می توانند به کاندیدا های مورد علاقه ی خود رای دهند. امروزه به خاطر سهولت و در دسترس بودن این کار بیشتر مورد استقبال است (جباری، ۱۳۸۷: ۴۶).

همایش ملی اقتصاد معاومتی "حالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

۳-۴ ویژگی های اقتصاد دانش بنیان:

۱. اقتصاد دانش بنیان اقتصاد کمیابی منابع نیست؛ بلکه اقتصاد فراوانی منابع است. زیرا برخلاف بسیاری از منابع که هنگام مصرف مستهلک می شوند؛ اطلاعات و دانش که اساس اقتصاد دانش پایه است، می تواند بارها مصرف شده و با مصرف بیشتر در واقع رشد کند.

۲. در اقتصاد دانش بنیان، دانش به کالا تبدیل شده و به فروش می رسد. هم اکنون بازارهای مجازی برای خرید و فروش دانش در جهان شکل گرفته و افراد با اعلام قیمت دانش خود، آن را در معرض مبادله قرار می دهند. بازار دانش، بازاری بسیار ناهمگن است و هر کالا کیفیت و قیمت خاص خود را دارد. صاحبان دانش در واقع به صورت انحصاری یا شبه انحصاری عمل می کنند.

۳. اقتصاد دانش بنیان، به نوعی یک اقتصاد بدون وزن^{۱۵۲} است. اگر نشانه های اقتصاد فیزیکی، کارخانه های فولاد، پتروشیمی، اتومبیل سازی است؛ نشانه های اقتصاد دانش بنیان معمولاً به صورت مدارهایی بسیار کوچک و تلفیق شده با یکدیگر بوده و شامل فکرها یعنی نرم افزارهاست. آنچه در این اقتصاد به عنوان ارزش شناخته می شود معمولاً از نوع فکری و غیر قابل لمس می باشد.

۴. ارزش محصولات و خدمات در اقتصاد دانش بنیان به شرایط افراد بستگی دارد. یک اطلاع یا دانش معین می تواند برای افراد مختلف در زمان ها و مکان های مختلف ارزش متفاوتی داشته باشد.

۵. در اقتصاد دانش بنیان، دانش پایگی اقتصاد وابسته به مجموعه ای از نظام ها و فرآیندهای دانشی جامعه است؛ بنابراین دارای ارزش دائمی بیشتری است. در صورتی که دانش انفرادی موجود در مغز افراد به راحتی قابل زوال و از بین رفتن است.

۶. در اقتصاد دانش بنیان، دانش و اطلاعات به هر جا که تقاضا برای آن بیشتر و موانع در مقابل آن کمتر باشد نفوذ می کند و تأثیر می گذارد.

۷. محل فعالیت در اقتصاد دانش بنیان اهمیت چندانی ندارد؛ زیرا با استفاده از فناوری ها و روشهای مناسب، بازارها و سازمان های مجازی به وجود می آید و در خدمت فعالیت قرار می گیرد. آنچه مهم است سرعت عمل در فعالیت ها و دسترسی به کل جهان است.

۸. در اقتصاد دانش بنیان، دانش موجود در محصولات و خدماتی که از لحاظ محتوای دانشی غنی ترند؛ تعیین کننده قیمت محصولات مشابهی است که دارای دانش بری کمتری هستند.

۹. در اقتصاد دانش بنیان، سهم قابل توجهی از تولید ملی سرانه در رشته فعالیت های دانش بنیان و دانش ساز مانند صنایع دارای فناوری برتر، خدمات مالی و تجاری پیشرفته تر و کارآمدتر از فعالیت های آموزشی و پژوهشی تخصصی تولید می شود (ناظمان و اسلامی فر، ۱۳۸۹: ۸)

بهاش ملی اقتصاد مقاومتی "حاشها، واقعها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

برای رسیدن به اقتصادی شکوفا و حرکت در ریل توسعه اقتصادی طبق مباحث فوق باید تمرکز بر اقتصاد دانش بنیان داشت که در این میان شرکت های دانش بنیان بعنوان مولفه های مهم و کلیدی می توانند در رسیدن به چنین اهدافی از مهمترین عوامل تلقی گردند که در ادامه توضیحاتی چند در این خصوص ارائه میگردد.

منظور از اقتصاد مقاومتی واقعی، یک اقتصاد مقاومتی فعال و پویاست، نه یک اقتصاد منفعل و بسته. به طوری که کشور ضمن مقاومت در مقابل موانع و ناملایمات مسیر خود، روند پیشرفت پایدار خود را حفظ کند (عسکری، ۱۳۹۱). دانش به عنوان یکی از نیروهای بسیار مؤثر در تحولات اقتصادی و اجتماعی به شمار می آید و به عنوان یک کالای عمومی^{۱۵۳} محسوب می گردد. زیرا می توان دانش را بدون کاهش و استهلاک با دیگران به مشارکت گذاشت. در عین حال، این یک مشخصه منحصر به فرد برای این کالای عمومی محسوب می شود که بر خلاف سایر کالاهای فیزیکی (مثل سرمایه، دارایی های مادی و منابع طبیعی) استفاده از آن از کمیت آن نمی کاهد و می توان از آن بارها استفاده کرد (ناظمان و اسلامی فر، ۱۳۸۹: ۳).

در عصر حاضر، اصطلاح اقتصاد دانش بنیان، گویای تأکید بر نقش دانش و فناوری در جریان توسعه اقتصادی است. از این رو، می توان گفت در اقتصاد دانش بنیان، به دانش از نظر کیفی و کمی بااهمیت تر از گذشته نگریسته می شود. طبق تعریف اقتصاد دانش بنیان اقتصادی است که مستقیماً بر مبنای تولید، توزیع و مصرف دانش و اطلاعات قرار گرفته باشد. بسیاری از اقتصاددانان بر این باورند که امروزه دیگر حجم سرمایه و انداز هی بازار در توسعه ی اقتصادی ملل نقش اساسی ندارد، بلکه این نقش را دانش و فناوری ایفا می کند. باید توجه کرد که اگر امروزه جنگ با دشمن را اقتصادی می دانیم و اقتصاد مقاومتی هدف کشور است، باید به دنبال توجه به دانش و علمی باشیم که ما را به قدرت اقتصادی تبدیل کند و ثمرات اقتصادی بسیار برای کشور داشته باشد.

نقش دانش در اقتصاد به دلیل بهبود بهره وری عوامل تولید از گذشته مورد توجه قرار گرفته و جایگاه آن به عنوان عوامل درون زا در رشد اقتصادی مورد تأکید قرار گرفته است، از این رو مدل های سولو، ریکاردو، همیلتون و ... نقش دانش و تکنولوژی را انکارناپذیر دانسته اند. با توجه به این که در اقتصاد دانش بنیان، تولید، توزیع و کاربرد دانش محرک اصلی رشد اقتصادی، تولید ثروت و اشتغال در فعالیتهای اقتصادی است، فرایندهای خلق دانش، ذخیره سازی، اشتراک و بکارگیری آن باید به دقت برنامه ریزی شود تا پیشرفت اقتصاد دانش بنیان را تضمین کند. برای دستیابی به اقتصاد دانش بنیان بایستی شرایط لازم برای ابداع و نوآوری فراهم شود تا توانایی تبدیل ایده ها به محصولات از طریق سرمایه گذاری، به تولید محصولات جدید منجر شود (سراج و همکاران، ۱۳۹۳).

همایش ملی اقتصاد مقاومتی "چالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

۵-۳ شرکت های دانش بنیان

یکی از رویکردهای مناسب جهت تحقق اقتصاد مقاومتی رویکرد استراتژیک است که در آن، نقاط ضعف و تهدیدزای اقتصاد تحلیل می شود و مؤلفه های اقتصاد مقاومتی استخراج می گردد. توسعهی شرکت های دانش بنیان یکی از راهبردهای مهم و اثرگذار جهت تحقق اقتصاد مقاومتی است.

با روشن شدن مفهوم اقتصاد مقاومتی و مؤلفه های آن، حال برای تبیین نقش شرکت های دانش بنیان جهت تحقق این اهداف، ابتدا باید مفهوم اقتصاد دانش بنیان مورد بررسی قرار گیرد و با روشن شدن ویژگی های اقتصاد دانش بنیان، جایگاه و کارکرد شرکت های دانش بنیان، به عنوان بنگاه های سیستم اقتصادی دانش بنیان جهت تحقق اقتصاد مقاومتی، روشن شود. بنابراین در این بخش به تشریح پیش فرض ها و ویژگی های اقتصاد دانش بنیان می پردازیم و از این رهگذر، به تمایز شرکت های دانش بنیان، به عنوان بنگاه اقتصاد دانش بنیان و شرکت های سنتی، به عنوان بنگاه اقتصاد کلاسیک، اشاره می نمایم و در نهایت، چگونگی تأثیرگذاری این شرکت ها بر مؤلفه های اقتصاد مقاومتی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

شرکت های دانش بنیان دارای تمایزات خاصی با سایر شرکت ها هستند که در این بخش به طور خلاصه بیان می گردد:

۱. در شرکت های دانش بنیان نسبت نیروهای متخصص به کل کارکنان، اختلاف زیادی با دیگر شرکت ها دارد. ۲. در شرکت های دانش بنیان درصد رشد نیروهای متخصص به کل کارکنان زیاد است. ۳. اعضای هیئت علمی دانشگاه ها و مؤسسات علمی و پژوهشی در مدیریت و راهبری شرکت های دانش بنیان مشارکت دارند. ۴. شرکت های دانش بنیان بودجهی بسیار زیادتری نسبت به دیگر شرکت ها برای تحقیق و توسعه نیاز دارند. ۵. شرکت های دانش بنیان توانمندی ویژه ای در استفاده از فناوری برای رشد سریع دارند. ۶. توسعهی شرکت های دانش بنیان صنعتی، متکی بر توسعهی فناوری است، نه بر سرمایه یا سخت افزار. ۷. مزیت رقابتی شرکت های دانش بنیان، نوآوری در فناوری است. ۸. شرکت های دانش بنیان بازارهای جدید را از طریق ارائه ی محصولات با فناوری های جدید تسخیر می کنند. ۹. شرکت های دانش بنیان به روش های دستی یا نیمه اتوماتیک تکیه ندارد. ۱۰. اغلب شرکت های دانش بنیان از نظر اندازه جزء شرکت های کوچک و متوسط محسوب می شوند.

۱-۵-۳ نقاط قوت و ضعف کشور در ایجاد اقتصاد دانش بنیان جهت تحقق اقتصاد مقاومتی

نقاط قوت:

- ۱- داشتن نیروی انسانی جوان و نسبتاً تحصیل کرده ۲- تجربه خوب در موفقیت های علمی و فنی ۳- امکان ایجاد بستر نسبتاً مناسب ارتباطی و فنی ۴- موقعیت مناسب جغرافیایی به عنوان هاب اقتصادی منطقه

نقاط ضعف:

- ۱- پایین بودن تعداد محققان و کارایی آنها ۲- عدم استفاده ی مطلوب از نتایج R&D ۳- پایین بودن سهم تحقیقات در بخش کاربردی اقتصادی از تولید ناخالص داخلی ۴- ضعف در نظام انگیزشی به دلیل قوانین ناکارآمد و عدم حمایت از حقوق مالکیت افراد و در نتیجه فقدان زمینه مناسب برای اختراع و نوآوری ۵- متنوع بودن مراجع تصمیم سازی اقتصادی

بهاش ملی اقتصاد مقاومتی "حاشما، واقعسما، راهكارما" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

در کشور و ضعف فرهنگی در تشخیص واقعیتهای اقتصاد جهانی ۶- کم بودن دسترسی به اینترنت و کم بودن تعداد رایانه نسبت به متوسط جهانی ۷- نداشتن تکنولوژیهای بالا و عدم توان در استفاده مناسب از آنها ۸- سطح اندک سرمایه‌ی انسانی، استفاده‌ی نامطلوب از افراد، مهارت‌ها و سرمایه‌ی انسانی موجود ۹- سطح پایین فناوری در تولید و توانایی اندک در تولید کالاهای با فناوری بالا و در نتیجه عدم قدرت رقابت بین‌المللی (طیبی، ۱۳۸۵: ۵۱) با توجه به ویژگی‌های ذکر شده، می‌توان اهداف و کارکردهای زیر را برای این شرکت‌ها برشمرد:

۱. جذب و تبدیل ایده‌ها به محصول و مشاغل پایدار. ۲. هم‌افزایی علم و ثروت (تجاری‌سازی علم و دانش). ۳. تجاری‌سازی یافته‌های پژوهشی و تحقیقاتی. ۴. توانمندسازی دانش‌آموختگان به منظور ورود به فضای کسب‌وکار. ۵. حمایت، هدایت و سم‌دهی در جهت نوآوری‌ها و تولید فناوری‌های برتر. ۶. ایجاد زمینه برای به‌کارگیری هرچه بیشتر توانمندی‌های دانشگاه‌ها و واحدهای پژوهشی در جامعه. ۷. ترغیب متخصصین، نوآوران، مخترعان، اعضای هیئت‌علمی دانشگاه‌ها و واحدهای پژوهشی برای فعالیت‌های بیشتر در رفع نیازهای جامعه برای ترویج فرهنگ تجاری‌سازی در دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی. ۸. تشویق بنگاه‌های اقتصادی و دستگاه‌های اجرایی به بهره‌گیری از یافته‌های پژوهشی و فناوری‌های شکل‌یافته در مراکز پژوهشی. ۹. ارتقای فرهنگ عمومی کارآفرینی.

حال از یک سو، با توجه به تعریف و بیان ویژگی‌های اقتصاد مقاومتی و مؤلفه‌های اصلی آن و از سوی دیگر، تعریف و کارکردهای اقتصاد و شرکت‌های دانش‌بنیان، می‌توان نقش این شرکت‌ها را در شکل‌گیری و توسعه‌ی اقتصاد مقاومتی در محورهای زیر تبیین نمود:

۱. شرکت‌های دانش‌بنیان، با توجه به ویژگی‌های خود و پویایی و تطبیق با شرایط محیط پیرامونی و انعطاف‌پذیری بالا، ظرفیت مناسبی برای روبه‌رو شدن با شرایط تحریم را دارا هستند. همچنین توزیع عادلانه‌تر ثروت، بر اساس شایسته‌سالاری در چنین شرکت‌هایی، تأثیر زیادی در عدالت اقتصادی دارد و از سوی دیگر، با توجه به توانمندتر بودن این شرکت‌ها، در مقایسه با شرکت‌های سنتی، سبب افزایش بهره‌وری و کارآمدی شرکت‌های دولتی و گذار شده خواهد شد. همچنین استراتژی عدم تمرکز فعالیت‌های تولیدی در چند شرکت بزرگ دولتی، مانع از تحریم آسان محصولات یا مواد اولیه‌ی شرکت‌ها می‌گردد. شرکت‌های دانش‌بنیان زیرساخت‌های لازم جهت عملی ساختن استراتژی عدم تمرکز و همکاری چندین شرکت متوسط جهت تولید یک محصول را دارا هستند. در صورت تحریم مواد اولیه یا فناوری، چنین شرکت‌هایی توانمندی لازم را جهت دستیابی به فناوری یا مواد اولیه‌ی جایگزین خواهند داشت.

۲. قطع وابستگی به فروش خام مواد معدنی، به ویژه نفت، یکی دیگر از مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی بیان شد. شرکت‌های دانش‌بنیان، با توجه به ویژگی‌های منحصربه‌فرد خود و توان ایجاد و به‌کارگیری فناوری‌های پیشرفته‌ی مورد نیاز، توانمندی لازم را جهت تبدیل مواد خام به محصولات نهایی و با ارزش افزوده‌ی بالا دارند. در واقع دولت با اعتماد و توجه به چنین شرکت‌هایی می‌تواند تهدید به‌وجودآمده در این حوزه را به فرصتی جهت شکوفایی صنایع نفت و پتروشیمی تبدیل نماید. با تمرکز بر این استراتژی، در بلندمدت، علاوه بر خودکفایی کشور در بسیاری از کالاهای مرتبط با نفت و صنایع معدنی، حتی می‌توان از نفت به عنوان ابزاری جهت تهدید دشمن استفاده نمود.

پایش ملی اقتصاد مقاومتی "حاشما، واقعتما، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

۳. یکی دیگر از مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی مدیریت مصرف مطرح شد. واقعیت این است که یکی از علل اساسی اسراف و زیاده‌روی در مصرف و همچنین تمایل مردم به مصرف کالاهای خارجی، پایین بودن کیفیت محصولات و کالاهای داخلی است و این مسئله در بلندمدت باعث سلب اطمینان مردم از کیفیت اکثر کالاهای داخلی شده است. بنابراین با توجه به ویژگی شرکت‌های دانش‌بنیان در استفاده از دانش برای بهینه کردن کیفیت محصولات داخلی، به همراه اقدامات فرهنگی، می‌توان موجب ترغیب مردم به مصرف کالاهای داخلی گردید. به این ترتیب، از یک سو وابستگی کشور به محصولات و ارز خارجی جهت واردات این کالاها کاهش می‌یابد و از سوی دیگر، با ارتقای کیفیت محصولات داخلی، زمینه‌ی رقابت این کالاها با کالاهای مشابه در بازارهای خارجی فراهم می‌گردد. در نهایت، با افزایش گستره‌ی کالاهای صادراتی، آسیب‌پذیری کشور در برابر تحریم کالاهای صادراتی کاهش می‌یابد.

۴. بهره‌وری عوامل تولید به عنوان یکی از عوامل اقتصاد دانش‌بنیان بیان شد. پایین بودن بهره‌وری یکی از مسائل اساسی اقتصاد کشور است که تأثیر گسترده‌ای بر تمام جنبه‌های اقتصادی دارد. در حقیقت بهره‌وری عوامل تولید در شرکت‌های دانش‌بنیان، علاوه بر تأثیرات ذکر شده در بند قبل، سبب کاهش هزینه‌ی تمام‌شده‌ی محصولات و کالاها خواهد شد. در نتیجه، علاوه بر افزایش استفاده‌ی مردم از کالاهای داخلی، از سوی دیگر، مزیت رقابتی در قیمت برای صادرات محصولات در بازارهای جهانی ایجاد خواهد کرد.

۵. اهمیت اقتصاد و شرکت‌های دانش‌بنیان به اندازه‌ی است که علاوه بر تأثیرگذاری بر سایر مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی، از طرف رهبر معظم انقلاب به عنوان یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی مطرح می‌شود. ایشان از شرکت‌های دانش‌بنیان به عنوان راهکاری برای جایگزینی درآمدهای نفت یاد می‌کنند و تصریح می‌نمایند که «ما اگر بتوانیم از همین فرصت که امروز وجود دارد استفاده کنیم و تلاش کنیم نفت را با فعالیت‌های اقتصادی درآمدهای دیگری جایگزین کنیم، بزرگ‌ترین حرکت مهم را در زمینه‌ی اقتصاد انجام داده‌ایم. امروز صنایع دانش‌بنیان از جمله کارهایی است که می‌تواند این خلأ را تا میزان زیادی پر کند.»

همچنین ایشان در جای دیگر، با تأکید بر این موضوع، می‌فرمایند: «این بخش شرکت‌های دانش‌بنیان و فعالیت‌های اقتصادی دانش‌بنیان خیلی جاده‌ی باز و امیدبخشی است.» در سخنرانی دیگری، ایشان کارآفرینی را مترادف اقتصاد مقاومتی می‌دانند و تأکید می‌کنند: «ما باید یک اقتصاد مقاومتی واقعی در کشور به وجود بیاوریم. امروز کارآفرینی معنایش این است.»

۶. یکی دیگر از مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی حمایت از تولید ملی و همچنین خودکفایی در تولید محصولات استراتژیک مورد نیاز کشور است. در حقیقت، یکی از راهکارهای اساسی خودکفایی پایدار در محصولات استراتژیک، ارتقای فناوری و افزایش بهره‌وری عوامل تولید از طریق دانش‌بنیان نمودن اقتصاد و توسعه‌ی شرکت‌های دانش‌بنیان است. با برنامه‌ریزی صحیح، حتی کشور می‌تواند صادرکننده‌ی این محصولات نیز باشد.

دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

همایش ملی اقتصاد مقاومتی "چالشها، واقعیتها، راهکارها"

۴- نتیجه گیری و پیشنهادات

اقتصاد مقاومتی مختص زمان تحریم و جنگ نیست، بلکه یک چشم انداز بلندمدت پیش روی اقتصاد ایران است، زیرا اقتصاد ایران در سایه‌ی تفکر جمهوری اسلامی همیشه آماج حملات دشمنان خواهد بود. اقتصاد مقاومتی به معنای ریاضت اقتصادی نیست، بلکه مفهوم شکوفایی اقتصاد و رفع مشکلات موجود در زیربخش‌های اقتصادی برای جلوگیری از امتیازدهی به دشمنان و بهبود سطح رفاه عموم مردم است (جلیلی کامجو، ۱۳۹۲). در مقاله حاضر ضمن بررسی مفهوم و ویژگی‌های اقتصاد مقاومتی و سپس اقتصاد دانش بنیان، به بررسی مولفه‌های مهم در شکل‌گیری اقتصاد دانش بنیان در کشور پرداخته شد که در این میان نقش دانش و بهره‌وری را بعنوان محرک اصلی توسعه اقتصادی بررسی نمودیم. و در این پژوهش متوجه شدیم که، ارکان اقتصاد دانش بنیان رابطه مثبتی با بهره‌وری دارند و پیامد این رابطه، کاهش بیکاری، رونق تولید داخلی، کیفیت بهتر تولیدات و خدمات، اصلاح الگوی مصرف و در واقع تحقق مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی خواهد بود. به نظر می‌رسد تأکید و توجه به ارکان اقتصاد دانش بنیان با در نظر گرفتن تأثیر آن بر بهره‌وری می‌تواند در تحقق اقتصاد مقاومتی مؤثر باشد. تبدیل شدن یک سامانه اقتصادی به اقتصاد دانش بنیان مستلزم وجود دولت دانش بنیان، بنگاه دانش بنیان، دانشگاه دانش بنیان و کارآفرین است. در اقتصاد مبتنی بر دانش، از سرمایه فکری به منظور خلق و افزایش ارزش سازمانی استفاده می‌شود و موفقیت یک سازمان به توانایی‌اش در مدیریت این منبع کمیاب بستگی دارد. به علاوه، یکی از قابلیت‌های مهم سازمانی که می‌تواند "مزیت پایدار" به سازمان‌ها در خلق و تسهیم دانش کمک بسیار نماید و برای آنها در مقایسه با سازمان‌های دیگر ایجاد کند، یادگیری سازمانی است. در نتیجه با استفاده از دانش می‌توان بهره‌وری انسانی و سازمانی را تعالی بخشید.

در انتها باید به این نکته اشاره نمود که موارد ذکر شده‌ی فوق، در صورتی امکان تحقق خواهند داشت که زیرساخت‌های لازم جهت به وجود آمدن اقتصاد دانش بنیان و رشد و فراگیر شدن شرکت‌های دانش بنیان فراهم شود. در حقیقت یکی از اساسی‌ترین پیش‌نیازهای اقتصاد دانش بنیان سرمایه‌ی انسانی خلاق، نوآور و دانشی است که با توجه به ترکیب جمعیتی کشور ایران و جمعیت بالای جوانان تحصیل کرده و نیروی انسانی به عنوان بزرگ‌ترین و باارزش‌ترین سرمایه‌ی کشور، باید مورد توجه قرار گیرد و بدین ترتیب، با توانمند نمودن و تشویق و زمینه‌سازی فعالیت آنان در قالب شرکت‌های دانش بنیان، کشور توان رویارویی با هر گونه تهدید و تحریم اقتصادی را خواهد داشت.

در پایان پیشنهاداتی جهت تحقق اقتصاد دانش بنیان در مسیر اقتصاد مقاومتی ارائه می‌گردد:

. تدوین و تصویب مجموعه‌ای از سیاست‌های کلی با عنوان سیاست‌های کلی توسعه دانش پایه: این مجموعه می‌تواند همه سیاست‌های مرتبط با موضوعات ارتقای تأثیر دانش به عنوان نهاد اصلی تولید و نیز ارتقای بهره‌وری کلی عوامل تولید را به طور یکجا و منسجم شامل شود. تدوین چنین مجموع‌های با وجود در نظر گرفتن بسیاری از سیاست‌های مذکور در سایر مجموعه‌های سیاست‌های کلی، می‌تواند علاوه بر تکمیل سیاست‌های مذکور و رفع خلأهای موجود، به تأکید و توجه بیشتر به این مبحث در تدوین و تصویب قوانین برنامه‌های توسعه، قوانین بودجه سنواتی و نیز سایر قوانین پایین دستی منجر شود.

۲. توجه به موارد ذیل در مجموعه سیاست های کلی، به منظور توسعه اقتصادی دانش پایه:

- حمایت مالی و فنی از شرکت های متوسط و کوچک؛
- ارتقای همکاری های علمی، پژوهشی و مالی صنایع و دانشگاه ها؛
- حمایت از سرمایه گذاری های پرمخاطره؛
- ارتقای قوانین مالکیت فکری و معنوی؛
- تجاری سازی فعالیت های پژوهش و توسعه؛
- سیاستگذاری منطق های و بین منطق های توسعه دانش پایه؛
- بررسی الزامات تغییر ساختار دستگاه های دولتی، به منظور توسعه دانش پایه؛
- توسعه زیرساخت و خدمات دولت الکترونیک؛
- حمایت مالی از فعالیت های پژوهش و توسعه (پرداخت یارانه، تأمین سرمایه اولیه و امکانات فیزیکی

۴-منابع و مأخذ

اخضریان کاشانی، محمدرضا. (۱۳۹۲). رضایت مندی در اقتصاد مقاومتی، پایگاه دفتر حفظ و نشر آثار امام خامنه‌ای (مدظله العالی).

بهبودی، داود، امیری، بهزاد (۱۳۸۹)، رابطه بلند مدت اقتصاد دانش بنیان و رشد اقتصادی در ایران، فصلنامه سیاست علم و فناوری، سال دوم، شماره ۴.

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار رئیس جمهوری و اعضای هیئت دولت، ۲/۶/۹۱.

پیغامی، عادل (۱۳۹۲). اقتصاد مقاومتی؛ اقتصاد دفاعی یا ترمیمی؛ <http://nahad.um.ac.ir/index.php> ir

جباری پور هریس، مجتبی. (۱۳۹۲). نقش و جایگاه شرکت های دانش بنیان در توسعه اقتصاد مقاومتی (۱)، برگرفته از سایت برهان: www.borhan.ir

جباری، محمد. (۱۳۸۷). اقتصاد دانش محور، فصلنامه ی راهبرد، شماره ی ۲۱۶.

جلیلی کامجو، سید پرویز. (۱۳۹۲). چرا اقتصاد مقاومتی یک ضرورت است؟، برگرفته شده از: <http://www.olgooha.com>

حاتم طایی نبرد، منت (۱۳۹۲). اقتصاد مقاومتی و وظیف ما، <http://www.olgooha.com>.

داود بهبودی و بهزاد امیری، «رابطه ی بلندمدت اقتصاد دانش بنیان و رشد اقتصادی در ایران»، فصلنامه ی سیاست، علم و فناوری، ۱۳۸۹

رمضانپور، اسماعیل، ایاغ، زهرا، چهره، مریم (۱۳۹۱) بررسی نقش اقتصاد دانش بنیان و بهره وری در اقتصاد مقاومتی، همایش ملی بررسی و تبیین اقتصاد مقاومتی، دانشگاه گیلان.

سوزنچی، ابراهیم (۱۳۹۰) اقتصاد دانش محور: رویکردها، مبانی و دلالتها، فصلنامه نامه ی سیاست علم و فناوری، سال اول، شماره ۱

همایش ملی اقتصاد مقاومتی "چالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

شعبان، احمد، عبدالملکی، حجت الله (۱۳۹۰) توسعه اقتصادی دانش پایه؛ مبنای نظری، تجربیات و الزامات سیاست گذاری (مقایسه تطبیقی ایران و کشورهای پیشرو)، فصلنامه برنامه ریزی و بودجه، سال شانزدهم شماره ۱
 طیبی، کمیل (۱۳۸۵) اثر فرار مغزها بر رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه، فصل نامه ی پژوهش های اقتصادی، سال ششم، شماره ی ۲
 عسکری، علی (۱۳۹۱)، ۱۸ راهکار در اقتصاد مقاومتی، روزنامه جام جم، ۳ مهر، برگرفته از:
<http://www.jamejamonline.ir/newstext.aspx?newsnum=۱۰۰۸۲۳۴۲۵۹>

عالم تبریز، اکبر. (۱۳۷۲). عوامل مؤثر بر رشد بهره وری، مطالعات مدیریت بهبود و تحول، شماره ۹، صص ۶۹-۹۴
 عظیمی، ناصر علی، برخوردار، سجاد، (۱۳۸۷)، اقتصاد دانش محور در کشورهای جنوب شرقی آسیا، رهیافت، شماره ۴۳، صص ۴۲-۳۲

عمادزاده، مصطفی، شهنازی، روح اله، (۱۳۸۶)، بررسی مبانی و شاخص های اقتصاد دانایی محور و جایگاه آن در کشورهای منتخب در مقایسه با ایران، پژوهش نامه اقتصادی، شماره ۷، صص ۱۷۵-۱۴۳.
 عربشاهی کریزی، احمد، کماسی، شهرام، صارمی گرو، امیر، اقتصاد دانش بنیان محور، از ایده تا عمل، اولین همایش ملی مدیریت کسب و کار، سوم بهمن ۱۳۹۲.

عبدالملکی، حجت الله. (۱۳۹۳). راهبرد اقتصاد مقاومتی در مناقشه هسته ای، برگرفته از:
<http://www.jamnews.ir/detail/News/۳۵۸۳۲۶>

غفارپور، داود، پورحاتمی، زهره. (۱۳۹۲). اقتصاد مقاومتی، ضرورت مقاومت اقتصادی،
<http://www.olgooha.com>

«قانون حمایت از شرکتها و مؤسسات دانش بنیان و تجاری سازی نوآوریها و اختراعات»، مصوب مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹.

قائمی نیا، علی اصغر (۱۳۹۱) نقش خانواده در تجلی اقتصاد مقاومتی، سایت:
<http://borhan.ir/NSite/FullStory/News/?Id=۴۸۴۴>

لطفی، محمدرضا، (۱۳۸۹)، الویت بندی و تعیین مهمترین عوامل آموزش مؤثر بهره وری دانشگاه ها به روش تصمیم گیری گروهی، فصلنامه مدیریت، سال هفتم، شماره ۲۰، صص ۴۹-۶۱
 مهدی سراج، افشین احمدزاده، محسن جوکار، محمد میلادی. (۱۳۹۳). اقتصاد دانش بنیان، دومین اجلاس مدیران تحقیق، توسعه و فناوری با رویکرد نسل چهارم تحقیق و توسعه.
 نجف اللهیاری فرد و رسول عباسی، «بررسی الگوی مناسب ساختار سازمانی شرکت های دانش بنیان»، فصلنامه ی تخصصی پارک ها و مراکز رشد، ۱۳۹۰.

ناظمان، حمید، اسلامی فر، علیرضا. (۱۳۸۹). اقتصاد دانش بنیان و توسعه پایدار (طراحی و آزمون یک مدل تحلیلی داده های جهانی)، دانش و توسعه، سال هجدهم، شماره ۳۳، صص ۳۳-۱.

Clarke ,T. (۲۰۰۱). The Knowledge-Based Economy. www. knowledg. com.

OECD,(۱۹۹۶), The knowledge-based economy, paris, pp ۱-۴۶.

Rooney, David, Greg Hearn, Abraham Ninan (۲۰۰۵). "Handbook on the knowledge economy".Edward Elgar Pub, Cheltenham, Vol. ۱.

Assessment of knowledge based economy in the realization of economic strength

Abstract

Resistance economy is an economic system that coordinates development and macro-political and security Basyasthay Islamic system and resistance to sabotage enemy and the enemy is evil so that economic sanctions against exogenous shocks in various conspiracies of America and the West's economic strength and development continued progress, One of the key parts to play such a role is "Knowledge Based Economy". Knowledge Based Economy through human capital and increase productivity preferred direction parallel to the other natural resources (and stronger than that) prescribes for economic growth and development Therefore, in such circumstances that the country is struggling to reach the ۱۴۰۴ targets, Given the ۲۰٪ share of this sector in the country's economic development, to achieve the foundation of the knowledge economy should provide the necessary conditions for innovation Has the ability to turn ideas into products through investments in new products lead.

In this paper, the features and functions of firms providing knowledge-based activities, and finally, the impact of these companies on resistive components studied economics research method of this paper is the use of inductive analysis and the library is.

Keywords: economic strength, Knowledge Based Economy, enterprise knowledge base, economic growth, productivity, knowledge-based economy